

تنازع گفتمانی گفتمان روشنفکری و گفتمان سیاسی در تعیین مؤلفه‌های ادبیات داستانی بعد از انقلاب اسلامی با تکیه بر ادبیات جنگ/ دفاع مقدس

عباسعلی وفايي*

استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

مرضیه آتشی‌پور**

دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۰۱)

چکیده

مروری کلی بر ادبیات داستانی بعد از انقلاب اسلامی، نشانگر تغییر و شکل‌گیری گفتمان جدیدی در عرصه نقد و آفرینش اثر ادبی است. با توجه به اینکه این ادبیات، در نتیجه تنش موجود میان دو گفتمان سیاسی و روشنفکری از نظم گفتمانی خاص خویش برخوردار می‌شود، موضوع پژوهش حاضر، تحلیل تنش شکل گرفته میان گفتمان سیاسی مسلط و گفتمان روشنفکری در عرصه نقد آثار ادبی برای تعیین مؤلفه‌های ادبیات سیاسی داستانی دوره انقلاب اسلامی در قالب داستان انقلاب اسلامی و داستان جنگ/ دفاع مقدس براساس نظریه تحلیل گفتمان از دیدگاه لاکلاو و موف است. تحلیل نزاع گفتمانی، می‌تواند چرایی و چگونگی طی شدن مسیر ادبیات داستانی بعد از انقلاب اسلامی را برای رسیدن به شکل موجود تفسیر کند. خوانش متون نقد حاکی از آن است که به طور کلی، دال مرکزی جنگ و انقلاب اسلامی در گفتمان روشنفکری به‌مثابه فرم و ادبیت ادبیات است، اما در گفتمان سیاسی به‌مثابه محتوا و بار ایدئولوژیک ادبیات تلقی می‌شود. مفصل‌بندی متفاوت این دو گفتمان از هویت ادبیات شکل گرفته پس از انقلاب اسلامی و جنگ در قالب دال‌های شناوری از قبیل عنوان نوع ادبی، شخصیت، طرح، انگاره، زمان داستان، مکان وقوع و در نهایت کارکرد داستان قابل بررسی است. همچنین به‌موازات حدت، شدت و جدیت ادبیات وابسته به گفتمان روشنفکری در تعیین مؤلفه‌های اثر داستانی و به‌کارگیری آن‌ها برای به‌حاشیه‌رانی گفتمان ادبیات دفاع مقدس، ادبیات وابسته به گفتمان سیاسی نیز به‌تئوریزه کردن مبانی داستانی دفاع مقدس و تجدیدنظر در معیارهای موجود نقد ادبی و معرفی معیارهای جدید برای اثر داستانی روی آورده است.

واژگان کلیدی: ادبیات داستانی بعد از انقلاب اسلامی، گفتمان روشنفکری، گفتمان سیاسی، ادبیات داستانی جنگ/ دفاع مقدس، نظم گفتمانی، تنازع گفتمانی و لاکلاو و موف.

* E.mail: a_a_vafaie@yahoo.com

** E.mail: marzie_atashipoor@yahoo.com (نویسنده مسئول)

مقدمه

از شاخه‌های متمایز فرهنگ انقلاب اسلامی، ادبیات انقلاب اسلامی است؛ ادبیاتی که پیش از انقلاب اسلامی در شکل‌گیری و پس از انقلاب در دوام و قوام آن، نقش‌های فراوان داشته و دارد، قطعاً خود مدیون و متأثر انقلاب اسلامی نیز است. بررسی ادبی حکایت از آن دارد که ادبیات داستانی در سه چهار دهه اخیر، سبک و سیاق جدیدی را برای خود برگزیده و در قالب و محتوا، نوآوری‌ها و شکوفایی‌های خاص خود را داشته است. به نظر می‌رسد آنچه بیشتر باید مورد بررسی قرار گیرد تعامل ادبیات داستانی و انقلاب اسلامی است. به عبارت دیگر، تحولات نثر داستانی معاصر، شکل‌گیری فضای ادبی-سیاسی جدیدی است که می‌توان از آن به عنوان یک گفتمان یاد کرد. تأکید بر گفتمانی بودن تحولات ادبی-سیاسی متأثر از نگاه فوکو به قدرت است که زبان، علم و گفتمان را حاوی قدرت می‌داند؛ زیرا زبان و گفتمان حاصل نظامی اجتماعی است که خو را بر گوینده، تحمیل می‌کند. این نظم، مانند نظم موجود در دیگر زمینه‌ها (علوم، اقتصاد و...) حاصل کارکرد اجتماعی قدرت است (فوکو، ۱۳۷۸: ۱۰ و ۱۵ و ضیمران، ۱۳۸۹: ۲۷).

مفهوم گفتمان تأکید بر فرآیندهای اجتماعی دارد که مولد معنا است (عضدانلو، ۱۳۸۰: ۱۷). شباهت میان زبان گفتاری و نوشتاری به اندازه‌ای است که بتوان هر گفتار و نوشتار را در مبحث کلی گفتمان قرار داد (وندایک، ۱۳۸۹: ۱۹). در واقع متن یا گفتمان نوشتاری مجموعه بزرگی از انواع گفتمان‌ها است که گزارش‌های خبری در روزنامه‌ها، مقاله‌های محلی، داستان‌ها، کتاب‌های درسی و تبلیغات از جمله آن‌ها محسوب می‌شوند (همان: ۲۶).

گفتمان در قالب متن، خود را به خواننده می‌نماید و متن را از معنایی هدفمند و منسجم بهره‌مند می‌سازد؛ «متن هویت محتوایی و معنایی خود را که در جهت هدفی خاص و منسجم شکل گرفته، مدیون گفتمان است» (شعیری، ۱۳۹۲: ۴۵).

از دیدگاه سیمپسون نیز تلقی ادبیات به منزله گفتمان موجب می‌شود متن ادبی میان روابط استفاده‌کنندگان زبان (اعم از روابط گفتاری و روابط مبتنی بر آگاهی‌های ایدئولوژیک) و وظایف اجتماعی آن‌ها نقش میانجی را بازی کند و از این طریق خود به نوعی کنش یا فرآیند تبدیل شود (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۴).

یادآور می‌شود گفتمان جنگ، سرمایه کلامی مهمی در سه دهه گذشته بوده است؛ «این سرمایه کلامی دارای ساختار گفتمانی ویژه‌ای است که پس از بیرون رفتن همه گروه‌های معارض با نظام، همچنان محفوظ مانده و حتی با پایان یافتن جنگ به عنوان یک نظام گفتاری حضور یافته است و حتی تحولات گفتاری در ایران تا حدودی همسو یا در واکنش به این گفتمان صورت‌بندی شده است... به گونه‌ای که حتی با پایان جنگ تحمیلی، جامعه همچنان به آن وابسته است به طوری که به واسطه آن تولید مشروعیت می‌کند یا به خاطر آن، کسانی را مشروعیت‌زدایی کرده و کسانی را مشروعیت می‌بخشد» (عظیمی، ۱۳۸۹: ۲). این مشروعیت‌بخشی کماکان در فضای ادبی وجود دارد.

گفتمان جنگ و به تبع آن ادبیات جنگ بسیار پیچیده و دارای عناصر گسترده‌ای است که گاهی میل به بازتولید و گاهی میل به گسیخته شدن و مقاومت در آن‌ها نمایان است.

۱. بیان مسأله

عواملی چون عدم تمرکز نویسندگان بر یک موضوع خاص، وجود پراکندگی در کانون‌های رهبری ادبی و تنوع در گرایش‌های اجتماعی قهرمان‌های داستان‌ها از یکسو به لحاظ فرهنگی زمینه را به آهستگی برای ظهور و بروز یک گفتمان جدید ادبی

فراهم آورد و از سوی دیگر، وقوع جنگ تحمیلی و شکل‌گیری وحدت حماسی میان مردم و همدلی ملت و دولت با یکدیگر در پی حمله رژیم عراق و اشغال خاک کشور، ایران پس از انقلاب را در موقعیتی بحرانی و پیچیده قرار داد که خود به پیدایی گفتمانی جدید به نام «گفتمان ادبیات انقلاب اسلامی / دفاع مقدس» منجر شد.

ادبیات انقلاب اسلامی به واسطه هویت خود که در مبادی خویش، متکی بر ایدئولوژی اسلامی است از یک سو و از سوی دیگر به واسطه تاریخچه وقوعی آن در مقطعی پس از انقلاب، ادبیاتی متأثر از ایدئولوژی است (شاگری، ۱۳۹۵: ۴۳۳)؛ زیرا بعد از انقلاب اسلامی، ضرورت طرح و دفاع از ارزش‌هایی که در عرصه اجتماعی، پیروزی‌های خود را تثبیت کرده بودند در عرصه فرهنگ نیز مطرح می‌شود به طوری که اکبری شلدره‌ای تأکید می‌کند «بزرگ‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی، تغییر جریان و خط سیر فکری نویسندگان و هدایت آنان به این سو بوده است (۱۳۸۲: ۱۳۹). از این رو، بیشتر آثار دهه نخست بعد از انقلاب اسلامی، نگرشی مکتبی و از سر تعهد دارند (رادفر، ۱۳۷۳: ۱۸۶). به نظر می‌رسد نویسندگان روشنفکر بعد از انقلاب اسلامی، دچار نوعی دوگانگی می‌شوند؛ از به جریان افتادن به سرعت یک نهضت سیاسی، احساس خشنودی می‌کنند، اما در عین حال با بسیاری از مظاهر آن نهضت، احساس بیگانگی می‌کنند. این دوگانگی به ویژه در آن بخش از ادبیات روشنفکری بعد از انقلاب اسلامی خودش را نشان می‌دهد که آرمان سیاسی، عهده‌دار محتوای ادبی می‌شود (قیصری، ۱۳۷۳: ۲۳۹)؛ زیرا عامل زمان و حاکمیت سیاسی، همواره به عنوان نیرویی کنترل‌کننده، سوژه‌های نویسندگان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (حنیف، ۱۳۷۳: ۹۰). فوکو در مورد شیوه نظارت بر گفتمان معتقد است که بحث بر سر چیره شدن بر قدرت‌های موجود در گفتمان‌ها یا دفع خطر ظهور رویداد نهفته در آن نیست، بلکه بحث سر این است که شرایطی برای کاربست آن‌ها تعیین شود و برای افرادی که آن گفتمان‌ها را در اختیار دارند، قواعدی

وضع شود و بدین‌سان اجازه داده نشود که هر کسی به آن گفتمان‌ها دسترسی داشته باشد (فوکو، ۱۳۷۸: ۳۵-۳۴).

با توجه به رویکرد دینی نظام جمهوری اسلامی، زمینه برای رشد آثار موافق و تثبیت‌کننده ارزش‌های نظام در ادبیات بیش از پیش فراهم می‌شود و با لزوم تولید فرهنگی در چارچوب نظام اسلامی و در نتیجه حمایت دولتی از این آثار، کم‌کم زمینه ایجاد تنش میان دو گفتمان روشنفکری و گفتمان مسلط در آثار ادبی، فراهم می‌شود. در نتیجه برای نویسندگان موافق هر دو گفتمان، نوشتن به منزله نوعی عمل سیاسی، کارکرد می‌یابد. به عبارت دیگر، ادبیات، عرصه‌ای خنثی نیست و خواسته یا ناخواسته محمل ایدئولوژی است و جهت‌گیری اجتماعی دارد. با این اوصاف ادبیات ممکن است همسو با گفتمان مسلط و مرکزی و در جهت تقویت روایت‌های کلان فرهنگی عمل کند و یا ممکن است همسو با گفتمان‌های مغلوب و حاشیه‌ای جنبه‌هایی از اعتراض یا مقاومت را به نمایش بگذارد (تندرو صالح، ۱۳۸۲: ۸۰).

از دید مطالعات فرهنگی، ادبیات همراه با سایر محصولات فرهنگی به‌طور عمده شکلی از ایدئولوژی تلقی می‌شود. تری ایگلتون^۱ با نظر به همین تلقی از ادبیات اشاره می‌کند که «اثر ادبی نه چندان با آنچه می‌گوید، بلکه با آنچه نمی‌گوید به ایدئولوژی مربوط می‌شود» (۱۳۸۳: ۶۱). البته در توجیه ضرورت ادبیات، نباید آن را وسیله انتقال مفاهیم که وسیله ایجاد نگرش‌هایی در قبال مفاهیم دانست (اسکولز^۲، ۱۳۸۷: ۲۷).

موضوع پژوهش حاضر، تحلیل تنش شکل گرفته میان گفتمان سیاسی مسلط و گفتمان روشنفکری برای تعیین هویت و مؤلفه‌های ادبیات سیاسی داستانی دوره انقلاب اسلامی در قالب داستان انقلاب اسلامی و داستان جنگ/ دفاع مقدس با تأکید بر دیدگاه نویسندگان و منتقدان وابسته به هر دو گفتمان است.

1- Eagleton

2- Scholes

۲. ضرورت و اهمیت پژوهش

با توجه به اینکه ادبیات داستانی بعد از انقلاب اسلامی در نتیجه تنش موجود میان دو گفتمان سیاسی و روشنفکری از نظم گفتمانی خاص خویش برخوردار می‌شود که نظمی موافق یا مخالف با گفتمان مسلط سیاسی است، تحلیل نزاع گفتمانی، می‌تواند چرایی و چگونگی طی شدن مسیر این ادبیات را برای رسیدن به شکل موجود تفسیر کند؛ چراکه نویسندگان و منتقدان وابسته به هر دو گفتمان از منظر همین نظم، جامعه ادبی را با خود همراه می‌کنند و می‌کوشند اثر ادبی، معیارهای نقد آن و نیز فضای ادبی‌ای که اثر ادبی در آن منتشر خواهد شد را با توجه به نظام معنایی خویش مفصل‌بندی کند.

۳. پیشینه پژوهش

«ادبیات داستانی جنگ در ایران» (سعیدی، ۱۳۹۵)، «جنگ از سه دیدگاه» (حنیف، ۱۳۸۶)، «تفنگ و ترازو: نقد و بررسی رمان‌های جنگ» (سلیمانی، ۱۳۸۰) و «جستاری در اصطلاح‌شناسی و مبانی ادبیات داستانی دفاع مقدس» (شاکری، ۱۳۹۴) از جمله آثاری هستند که به بیان دیدگاه‌های متفاوت درباره ادبیات داستانی به‌خصوص داستان جنگ پرداخته‌اند.

«سیاست نوشتار: پژوهشی در شعر و داستان معاصر» (تلطف، ۱۳۹۴) و «منادیان قیامت: نقش سیاسی و اجتماعی ادبیات در ایران معاصر» (قانون‌پرور، ۱۳۹۵) از جمله مهم‌ترین کتاب‌هایی هستند که تقابل گفتمان روشنفکری با گفتمان مسلط سیاسی را درباره ادبیات مطرح کرده‌اند. همچنین «بازتاب سیاست در ادبیات داستانی ایران از سال ۱۳۷۶ تا پایان آبان‌ماه ۱۳۸۳» (گودرزی، ۱۳۸۶) و مقاله «نقد ادبی ایدئولوژیک: مروری بر ادبیات روشنفکری و مکتبی ایران» (قیصری، ۱۳۷۳) در شمار آثاری هستند که موضوع اصلی آن‌ها رابطه متقابل این دو گفتمان در شکل‌گیری در ادبیات

داستانی معاصر است. بنابراین، می‌توانند به عنوان پیشینه این پژوهش در نظر گرفته شود. بررسی این تنازع از منظر نظریه تحلیل گفتمان لاکلاو و موف^۱ نخستین بار است که صورت می‌گیرد.

۴. تحلیل گفتمان

گفتمان به همه چیز در چارچوب نظام معنایی، مفهومی خاص می‌بخشد؛ مفهومی که مختص همان نظام معنایی است. از این رو، ممکن است یک فعل، سخن، نهاد و... در دو گفتمان جدا از هم، معنایی متفاوت و حتی متضاد داشته باشند. گفتمان، مفصل‌بندی مجموعه‌ای منسجم از افراد، مفاهیم و واژگان است که حول یک دال برتر قرار گرفته‌اند و به زندگی انسان معنا می‌دهند (کسرایي و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۴۲). به عبارت دیگر، معانی و مفاهیم نه از درون زبان، بلکه از درون اعمال تشکیلاتی و ارتباطات اجتماعی - سیاسی (قدرت) ناشی می‌شوند. همین که کلمات و مفاهیم در درون گفتمان‌های مختلف گسترش پیدا می‌کنند، معنا و تأثیر خود را تغییر می‌دهند (عضدانلو، ۱۳۷۵: ۴۹-۴۸).

گفتمان در نظریه لاکلاو و موف را می‌توان ساختن، تعامل، چانه‌زنی بر سر واقعیت به وسیله ابزارهای زبانی دانست. ایده کلی نظریه گفتمان این است که پدیده‌های اجتماعی هرگز تام و تمام نیستند و معانی هیچ‌گاه نمی‌توانند برای همیشه تثبیت شوند. از این رو، همواره راه برای کشمکش‌های اجتماعی بر سر تعاریف جامعه و هویت باز است که این خود آثار اجتماعی متعددی به همراه دارد. وظیفه تحلیلگران گفتمان، نشان دادن چرایی و چگونگی ظهور و بروز این کشمکش‌ها برای تثبیت معنا در تمام سطوح امر اجتماعی است (یورگنسن و فیلیپس^۲، ۱۳۹۱: ۵۴-۵۳).

1- Laclau and Mouffe

2- Jorgensen and Phillips

۵. گفتمان در دیدگاه لاکلاء و موف

از نظر لاکلاء و موف، هر متنی که تولید می‌شود در شرایط گفتمانی ویژه و با درجاتی متفاوت از انتخاب و در نسبتی با/از قدرت تولید می‌شود و با همین درجات متفاوت نیز در اختیار خواننده قرار می‌گیرد (موسوی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۴۰). همچنان که واقعیت اجتماعی ناب وجود ندارد، گفتمان خنثی و بی‌طرف وجود ندارد و با گفتمان‌ها یا متن‌های وابسته به شخص یا جناح خاص، ایدئولوژی خاص و فرهنگ خاص و... روبه‌رو هستیم (بهرام‌پور، ۱۳۷۹: ۵۰). مفهوم «گفتمان‌گونگی» و «نظم گفتمانی» در تحلیل گفتمان لاکلاء و موف، حلقه اتصال معنادهی و گفتمان است؛ از یک سو، خلق معنا، یک فرآیند اجتماعی و شامل تثبیت معنا است و ما پیوسته از طریق قرار دادن نشانه‌ها در شبکه روابط نشانه‌های دیگر، تلاش می‌کنیم معنایشان را تثبیت کنیم. این کار در درون یک گفتمان از طریق طرد دیگر معانی احتمالی آن نشانه صورت می‌گیرد. این معانی طرد شده به حوزه‌ای از گفتمان رانده می‌شوند که آن را «گفتمان‌گونگی» می‌نامیم (سلطانی، ۱۳۹۱: ۷۸-۷۰). از سوی دیگر، لاکلاء و موف گفتمان را تثبیت نسبی معنا می‌دانند در حالی که میدان گفتمان را به هر معنای بالفعل یا بالقوه خارج از یک گفتمان خاص اطلاق می‌کنند. بعدها یورگنسن و فیلیس مفهوم «نظم گفتمانی» فرکلاف^۱ را به این دو مفهوم اضافه کردند که منظور از آن فضای اجتماعی‌ای است که قلمرو واحدی را با گفتمان‌های متفاوت تحت پوشش قرار می‌دهد و هر یک از این گفتمان‌ها تلاش می‌کنند آن قلمرو را به روش خاص خودشان معنادار کنند. بدین ترتیب نظم گفتمانی به گروهی از گفتمان‌ها دلالت دارد که در یک قلمرو اجتماعی واحد عمل می‌کنند؛ چه در تضاد با یکدیگر باشند و چه هماهنگ با هم (۱۳۹۱: ۱۰۴-۱۰۲). مفهوم نظم گفتمانی اجازه می‌دهد بتوانیم

1- Fairclough

محدودیت‌هایی که همواره در مقابل تغییرهای ممکن وجود دارند و نیز روابط متقابل میان گفتمان‌های متفاوت را ارزیابی کنیم.

لاکلاء و موف برای تبیین نظریه خود، مفاهیم متعدد و گاه پیچیده‌ای را به کار گرفته‌اند که به کمک آن‌ها به خوبی می‌توان روابط درون و برون گفتمانی گفتمان‌های حاکم بر جوامع را شناسایی و اجزای متعدد پدیده‌های اجتماعی را تجزیه و تحلیل کرد؛ «مفصل‌بندی» از جمله این مفاهیم است. منظور از مفصل‌بندی، کنشی است که میان عناصر مختلف مانند مفاهیم، نهادها، رفتارها و... چنان رابطه‌ای ایجاد می‌کند که هویت اولیه آن‌ها دگرگون شده، هویتی جدید بیابند. از این رو، هویت یک گفتمان در پی رابطه‌ای شکل می‌گیرد که با مفصل‌بندی میان عناصر گوناگون به وجود می‌آید (تاجیک، ۱۳۸۳: ۴۶).

دو مفهوم «دال» و «مدلول» نیز در نظریه لاکلاء و موف نقش کلیدی دارند؛ دال‌ها اشخاص، مفاهیم، عبارات و نمادهای انتزاعی یا حقیقی‌اند که در چارچوب‌های گفتمانی خاص بر معانی معینی دلالت می‌کنند. معنا و مصداقی که یک دال به آن دلالت دارد، «مدلول» نامیده می‌شود. مدلول نشانه‌ای است که با دیدن آن، دال مد نظر برایمان معنا می‌شود (کسرابی و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۴۳). اما مقصود از دال شناور، دالی است که مدلول‌های متعدد دارد و گروه‌های سیاسی برای انتساب مدلول مطمح نظر خود به آن با یکدیگر رقابت می‌کنند. دلیل وجود دال‌های متفاوت برای یک مدلول در گفتمان‌های مختلف به اصل اختیاری بودن رابطه دال و مدلول برمی‌گردد (همان: ۳۴۴).

همچنین منظور از دال مرکزی، آن گره‌گاه/ بست یا نشانه ممتازی است که سایر نشانه‌ها، گرداگرد آن منظم می‌شوند و معنایشان را از نوع رابطه‌شان با آن اخذ می‌کنند (یورگنسن و فیلیس، ۱۳۹۱: ۵۷). به بیان دیگر، یک گفتمان از طریق تثبیت نسبی معنا حول دال مرکزی شکل می‌گیرد در حالی که مفهوم دال تهی به وجود

خلاتی در فضای اجتماعی یا امری غایب، اشاره دارد. دال تهی با بازنمایی وضع مطلوب و آرمانی از خواسته‌های تحقق نیافته و بحران‌های متعدد در عرصه سیاسی و اجتماعی پرده برمی‌دارد و زمینه را برای شکل‌گیری گفتمان(های) جدید فراهم می‌آورد (کسرائی و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۵۵).

۶. تحلیل داده‌ها در چارچوب مفاهیم نظری

گفتمان ادبیات داستانی معاصر همواره در ارتباط تنگاتنگی با گفتمان روشنفکری بوده است به همین دلیل به موازات پیدایی سه نسل متفاوت از روشنفکران، پیدایی سه نسل متفاوت از داستان‌نویسان مدرن را شاهد هستیم (طایفی، ۱۳۹۲: ۱۸۷-۱۷۴).

با گشایش نسبی فضای سیاسی در ایران از شهریور ۱۳۲۰ به بعد، شاهد ظهور نسل سوم روشنفکران هستیم؛ نسلی که تحت تأثیر اندیشه‌های مارکسیستی - با یک چرخش ناگهانی - از ستایش غرب مدرن به ضدیت با آن روی آورد. تلاش برای استقرار یک آرمان‌شهر عدالت‌محور و سوسیالیستی از جمله مهم‌ترین اهداف این دوره به‌شمار می‌رود. گفتمان مسلط ادبی در سه دهه ۳۰، ۴۰ و ۵۰، گفتمان ادبیات متعهد است که تحت تأثیر آرمان‌ها، اهداف و ارزش‌های حزب توده شکل گرفته است؛ «ادبیات متعهد، ترویج برابری، عدالت و آزادی بود. بیان استعاری این آرمان‌ها و تمجید از قهرمان‌گرایی و شهادت، قوام‌دهنده اجزای زبانی بیشتر داستان‌ها و اشعار این دوره بود» (تلطف، ۱۳۹۴: ۱۳۶).

با ارزیابی نوع مواجهه نویسندگان ایرانی با دو پدیده انقلاب و جنگ درمی‌یابیم که نسل چهارم روشنفکران، حاصل بازتولید همان نسل سوم روشنفکران به مدد مفصل‌بندی ارزش‌های ادبیات متعهد به دو شیوه متفاوت است؛ نخست، شیوه‌ای که در آن، گفتمان ادبیات روشنفکر، دال ادبیت را از حوزه گفتمان‌گونگی ادبیات متعهد

به عنوان ادبیات مسلط در دهه ۵۰ به عنوان دال مرکزی برگزید و آن را برجسته ساخت و متقابلاً، دال‌های انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی را در درون این حوزه به حاشیه راند و دوم، بازتولید ادبیات متعهد در گفتمان ادبیات روشنفکری حول دال مرکزی جنگ و انقلاب صورت گرفت. علاوه بر این، وقوع جنگ تحمیلی و شکل‌گیری وحدت حماسی میان مردم و همدلی ملت و دولت با یکدیگر در پی حمله رژیم عراق و اشغال خاک کشور، ایران پس از انقلاب را در موقعیتی بحرانی و پیچیده قرار داد که خود به پیدایی گفتمانی جدید به نام «گفتمان ادبیات انقلاب اسلامی / دفاع مقدس» منجر شد (حسن‌بیگی، ۱۳۹۲: ۱۳)؛ گفتمانی با نویسندگان جوان و اغلب رزمنده که نوشتن را در حکم تکلیف الهی و ادای دین به انقلاب اسلامی و دفاع مقدس می‌دانستند، زیرا نظام جمهوری اسلامی - به عنوان نظامی فاقد هر نوع حامی و پشتیبان خارجی - در چنین موقعیتی باید در حوزه فرهنگ و هنر، جبهه تازه‌ای در داخل کشور می‌گشود. این گفتمان تحت حمایت گفتمان رسمی سیاسی توانست در تنازعات میان قدرت و گفتمان ادبی روشنفکری به یک هویت مستقل دست یابد و همچنان به حیات خود ادامه دهد.

همان‌طور که اشاره شد، ادبیات داستانی بعد از انقلاب اسلامی به شدت داعیه‌دار نقد یا ثبت قدرت بر شیوه‌ای از سخن گفتن، فهم و تغییر جهان است. کشمکش میان گفتمان مسلط سیاسی و نویسندگان حرفه‌ای / روشنفکر حاکی از وجود دو عرصه قدرت است و «همان‌گونه که نظام‌های سیاسی، قدرت خود را به شیوه‌های مختلف نمایان می‌کنند، ادبیات و نقد ادبی هم نوعی قدرت است که از طریق تأثیر ایدئولوژیک خود بر مخاطبان (چه در دفاع از وضع موجود، چه در نقد آن) اقتدارش را اعمال می‌کند» (گودرزی، ۱۳۸۶: ۲۲۵).

با توجه به ارتباط نقد ادبی و ایدئولوژی و اهمیت آن در تفسیر و امکان معنادهی به پدیده‌ها، تعیین این مسأله که در ادبیات داستانی بعد از انقلاب اسلامی و جنگ، محل نزاع گفتمان‌های روشنفکری و سیاسی کجا است، موضوعی درخور اعتنا است. جایگاه نمایندگان دو گفتمان یادشده، براساس مهم‌ترین دیدگاه‌هایی که طرح کرده‌اند، قابل تعیین است و می‌توان به یکی از دو گفتمان روشنفکری و یا سیاسی رسمی نسبتشان داد. برای این منظور، برخی از مهم‌ترین آثاری که درباره ماهیت ادبیات داستانی بعد از انقلاب اسلامی به خصوص در دهه نخست پرداخته‌اند -اعم از یادداشت، گفت‌وگو، مقاله و کتاب- مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است؛ زیرا زمانی می‌توان از تولید گفتمان (نقد) در ادبیات داستانی سیاسی سخن گفت که در ارتباط با آن، کتب، مقاله‌ها، جزوه‌ها، رساله‌ها و روزنامه‌ها در مقیاس وسیعی تولید شده و به مخاطبان ارائه شده باشد (مهرآیین، ۱۳۸۶: ۳۶۳).

خوانش متون نقد حاکی از آن است که به طور کلی، دال مرکزی جنگ و انقلاب اسلامی در گفتمان روشنفکری به‌مثابه فرم و ادبیت ادبیات است، اما در گفتمان سیاسی به‌مثابه محتوا و بار ایدئولوژیک ادبیات تلقی می‌شود. مفصل‌بندی متفاوت دو گفتمان اشاره شده از هویت ادبیات شکل گرفته پس از انقلاب اسلامی و جنگ در قالب دال‌های شناوری از قبیل عنوان نوع ادبی، شخصیت، طرح، انگاره، زمان داستان، مکان وقوع و درنهایت کارکرد داستان قابل بررسی بوده و تفصیل این دو زنجیره دلالتی متفاوت به شرح زیر است:

۱-۶. عنوان نوع ادبی

گفتمان سیاسی، مدلول مقدس را به دال دفاع -و نه جنگ- پیوند می‌دهد و همزمان در خلق اثر ادبی با باورمند بودن به اینکه نوع ادبی جدیدی بعد از انقلاب اسلامی به خصوص

بعد از جنگ شکل گرفته است، جنبه‌های اعتقادی و فرهنگی انقلاب اسلامی را پررنگ می‌سازد و عنوان ادبیات دفاع مقدس برای این ادبیات برمی‌گزیند.

واژه «دفاع» جنبه ایدئولوژیک دارد و دربرگیرنده مفهومی است که دین و شریعت در مورد دفاع مطرح می‌کند و به معنای دفاع از حقیقت انسانی و فطرت الهی است؛ «دفاع ما نوعی تقابل با کفر و باطل است» (شاکری، ۱۳۹۵: ۴۳۲). از نظر مدافعان گفتمان سیاسی، روشنفکران این ایدئولوژی را منحل در انگیزه تجاوز و دفاع در ساحت جغرافیایی معنا می‌کنند و دفاع مقدس را مانند جنگ‌های دیگر ارزیابی می‌کنند (همان: ۴۳۵). بدین ترتیب، گفتمان روشنفکری، دال شناور جنگ را در مثبت‌ترین شکل، یعنی جنگ تحمیلی معنا می‌بخشد و در آثار خود بر وجوه تاریخی و سیاسی انقلاب اسلامی تاکید می‌کند.

از آنجا که اهمیت تجربه‌گرایی و تفردگرایی در کنار تلاش برای جهانی کردن فرهنگ بومی از طریق سهم کردن تجربه انسان ایرانی مواجه شده با جنگ -در بدنه ادبیات جهان- از جمله دال‌های مهم گفتمان ادبیات روشنفکری است، این گفتمان به ادبیات جنگ ایران در قالب شاخصه‌های نوع ادبی ادبیات جنگ جهانی می‌نگرد. به نظر کوثری، «ادبیات جنگ را باید به دور از هر گونه داوری ارزشی در نظر گرفت؛ زیرا نسبت دادن برخی اصطلاحات به ارزش‌های مثبت یا منفی از یک سو موجب گسترش مقوله‌های مفهومی و از سوی دیگر، مانع بررسی تطبیقی ادبیات جنگ ایران و ادبیات جنگ سایر کشورهای جهان می‌شود و گونه‌شناسی علمی و منطقی و تا حد ممکن جامع آثار ادبی را ناممکن می‌سازد» (کوثری، ۱۳۸۹: ۱۱۲).

به نظر می‌رسد رویکرد نویسندگان موافق گفتمان سیاسی به دفاع مقدس نه جنگ، اغلب ارزش محور است و در نتیجه اصل جنگ هرگز زیر سوال نمی‌رود

(سعیدی، ۱۳۹۵: ۳۴۴)، اما دیدگاه غالب نویسندگان روشنفکر به مقوله جنگ بیشتر از نوع جامعه محور است و انتقادی.

۲-۶. شخصیت

۱-۲-۶. شخصیت زن

از منظر منتقدان موافق با گفتمان سیاسی، شخصیت زن در آثار این دهه از مرتبه جسمانیت و جاذبه‌های ظاهری به مرتبه‌ای والا ارتقا یافته است. با تغییر دید نویسندگان نسبت به زن در تعداد قابل توجهی از آثار این عرصه، زن توانسته است در مقام و منزلت نزدیک به واقعی خود در داستان‌ها حضور داشته باشد و چه بسا چهره تحریف شده و مورد سوءاستفاده قرار گرفته وی تا حدودی زیادی نسبت به ادبیات داستانی قبل از انقلاب، تصحیح شود. در این آثار، چهره زنان، چهره‌ای توأم با نجابت و عفت است. حضور زن در محیط و محفل خانواده، بخش عمده‌ای از داستان‌ها را به خود اختصاص می‌دهد. از این نمونه‌اند: زن به عنوان مادر آگاه یک رزمنده یا یک شهید، زن به عنوان همسر آگاه، صبور و مقاوم یک شهید، زن به عنوان همسر ایشارگر یک جانباز، زن به عنوان خواهر مبارز یک شهید، زن به عنوان یک مجاهد راه خدا، زن همچون یک قدیسه و... (سرشار، ۱۳۹۰: ۴۲-۴۱).

اما گفتمان روشنفکری در نقد آثار ادبی موافق با گفتمان سیاسی، تصویر زن ایرانی را با برجسته کردن خصوصیات عاطفی او در پیوند می‌یابد و بر این باور است که همواره تصویری از مرد حاضر در تمامی صحنه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه در داستان‌های جنگی ارائه می‌شود که تمامی نقش‌های فعال و پویا به عهده او است (بروجردی، ۱۳۷۳: ۶۷). گفتنی است این امر می‌تواند با بسامد پایین حضور قهرمانان زن در داستان‌ها به نسبت شخصیت‌های مرد، مرتبط باشد (اکبری شلدره‌ای، ۱۳۸۲: ۱۶۶).

به موازات نقد جایگاه زنان در آثار ادبیات داستانی دفاع مقدس در آثار نویسندگان روشنفکر، شخصیت‌های زن، در شکل روابط زن و مرد و فرهنگ سنتی تردید می‌کنند. این داستان‌ها به روشنی حالات زن ایرانی مبارزی را تصویر می‌کند که در مقابل تسلیم به شرایط مسلط، مقاومت کرده‌اند و نشان‌دهنده آگاهی آنان به مسائل زنان و مناسبات جنسیتی است (تلفظ، ۱۳۹۴: ۲۵۱-۲۵۰ و ۲۷۴).

۶-۲-۲. طبقه‌بندی شخصیت

ادبیات انقلاب اسلامی / دفاع مقدس با مردم و توده‌ها ارتباط دارد؛ بنابراین اکثر شخصیت‌ها نیز از دل همین مردم هستند و اغلب در حد یک تیپ اجتماعی باقی می‌مانند و فردیت برجسته‌ای ندارند (حدادعادل، ۱۳۷۲: ۳۵۲) و یک نگاه آرمانی و مطلق‌گرایانه در شخصیت‌پردازی حداقل در دهه نخست حکم‌فرما است (حنیف و محسن حنیف، ۱۳۸۸: ۶۲).

به نظر می‌رسد، دلیل این امر در وهله نخست به نیاز گفتمان اخیر به ایجاد پیوند و همدلی و وحدت هرچه بیشتر در میان افراد جامعه برگردد؛ چراکه در چنین فضای داستانی، کمتر فضایی برای بروز تفرّد میان اعضای جامعه و تمایز و جدایی آن‌ها از یکدیگر باز است و به جای آن، زمینه‌های تزکیه و تسویه کل افراد جامعه و یکدستی و وحدت هر چه بیشتر آن‌ها با یکدیگر فراهم است. آنچه از این رهگذر آشکار می‌شود، برجستگی کل جامعه در برابر جوامع دیگر است (حق‌شناس، ۱۳۹۰: ۵۷) و این دقیقاً همان چیزی است که گفتمان ادبیات دفاع مقدس در زمان شکل‌گیری اولیه و با توجه به کارکرد ادبیات در بسیج نیروهای مردمی در مقابل دشمن به‌شدت به آن احتیاج دارد. گفتمان ادبیات داستانی دفاع مقدس با این ملاحظه و به منظور تأکید بر جمع‌گرایی و شکستن هرگونه مقاومت در مقابل هژمونی این گفتمان، بیشتر به یکدست‌سازی

شخصیت‌ها در قالب تیپ می‌پردازد تا شخصیت‌های تفرد یافته. در حالی که گفتمان ادبیات روشنفکری به منظور تأکید بر فردگرایی و ایجاد امکان مقاومت در مقابل هژمونی گفتمان مسلط سیاسی، اگر هم به جنگ پردازد، بیشتر در قالب حوادث شخصی شخصیتی تفرد یافته و چندبعدی در موقعیت جنگی است؛ زیرا از نگاه گفتمان روشنفکری، ماهیت داستان به خصوص رمان مبتنی بر فردگرایی، تجربه‌گرایی و بیان دغدغه‌های انسان خاکستری تا انسان آرمانی است.

گفتنی است، جنگ سبب ایجاد تپیی خاص از حیث شخصیت روانی و بعد جامعه‌شناسی در داستان شده است؛ تیپ و شخصیت بسیجی. همچنین روایت حالات شخصی و معنوی افراد در داستان به صورت معجزه، رویا، توسل، امداد غیبی و شفاعت که در ادبیات داستانی کم سابقه بوده است، اغلب در این آثار حضور پررنگی دارد (مدرس‌زاده، ۱۳۷۳: ۳۹۴).

۶-۲-۳. شخصیت‌پردازی

شخصیت‌پردازی انسان‌گرایانه در آثار موافق با گفتمان رسمی به این معنی است که انسان موجودی رها در طبیعت نیست و همواره محصول تربیت و پرورش مجموعه ایدئولوژی-های مکتبی و مذهبی است (سلیمانی، ۱۳۸۰: ۳۰). به عبارت دیگر، ادبیات انقلاب اسلامی / دفاع مقدس، انسان‌گرا است، اما انسان‌مدار نیست (حدادعادل، ۱۳۷۳: ۳۴۹). از این رو، مردم تنها پیروزی رزمندگان را می‌خواهند و در این میان، آوارگی و بی‌سرپرستی را به جان می‌خرند. راه‌حلی که نویسنده برای شخصیت در گفتمان ادبی انقلاب اسلامی پیشنهاد می‌کند، پیروی از مذهب، پناه آوردن به مقدسات و توجه ویژه به وقایع کربلا است (تلفظ، ۱۳۹۴: ۲۱۹).

در آثار وابسته به گفتمان روشنفکری، مردم اغلب ایثار کرده‌اند، اما این سوال در ذهن‌شان جان گرفته که چرا فقط آنان باید ایثار کنند؟ و در آثار انتقادی‌تر حتی از جنگ و موشک خسته‌اند (حنیف، ۱۳۷۳: ۱۰۱). در این آثار، تأکید بر ارزش‌های فردی است تا ارزش‌های اجتماعی و به طور کلی، جنگ به مثابه امری انسانی که هستی و ابعاد وجود آدمی در آن متجلی شده و شناخت و تحلیل وجود انسان در آن امکان بازیابی می‌یابد، دلالت می‌یابد (سلیمانی، ۱۳۸۰: ۱۱۸). خسروی بر این باور است که ادبیات، تنها کشف روابط دیالکتیکی اجتماعی نیست، بلکه فراتر از آن، کشف هستی است و انسان مطرح شده در داستان، انسان فارغ از جزمیت‌ها است (تندروصالح، ۱۳۷۹: ۱۰۲).

بدین ترتیب، بعضی از نویسندگان روشنفکر در دهه نخست انقلاب اسلامی به تأثیر انقلاب و پیامدهای آن در زندگی شخصی افراد می‌پردازند و داستان‌هایی درون‌گرایانه درباره جنبه‌های عاطفی و روانی در شرایط جدید نوشته‌اند (تلطف، ۱۳۹۴: ۲۰۷).

در آثار وابسته به گفتمان روشنفکری، شخصیت‌های مخالف جنگ، اغلب افرادی تحصیلکرده، خوش‌فکر، فداکار و بی‌آزارند و در مقابل شخصیت‌های موافق جنگ، افرادی ساده‌اندیش، مردم‌آزار، بی‌سواد و دارای عقاید غیرقابل قبول‌اند (حنیف، ۱۳۷۳: ۱۳۹).

۳-۶. طرح

۱-۳-۶. شگرد روایی

تأثیر و اهمیت انکارناپذیر قابلیت دسترسی در برساختن تصور اجتماعی، موجب شده است که سادگی و روانی ساختار، یکی از ویژگی‌های سبکی گفتمان ادبیات داستانی دفاع مقدس، حداقل در دهه نخست باشد. چون همان‌طور که حق‌شناس نیز می‌گوید «اگر قرار است تجربه‌ای مشترک از رهگذر فضاهای خیالین آثار ادبی در همه جا استفاده

شود، ساختارش باید ساده و سراسر است و عاری از هر گونه نمادپردازی و رمزگونی باشد» (حق شناس، ۱۳۹۰: ۶۱).

با وجود آنکه پیچیدگی شگردهای روایی در آثار ادبی متعلق به گفتمان روشنفکری برای بیان دغدغه‌های قشر متوسط از قابلیت دسترسی و سازگاری این گفتمان می‌کاهد، نویسندگان روشنفکر، چون خود را کاملاً با شرایط سیاسی و اجتماعی هماهنگ نمی‌دیده‌اند، کوشیده‌اند با انتخاب شگردهای روایی پیچیده، داستان را به شعر نزدیک کنند و با ایجاد دنیای وهمی و جادویی، خواننده را به درنگ و تأمل وادار کنند. بنابراین، آثارشان اغلب در زمانه‌ای از دست رفته اتفاق می‌افتد که دور از دسترس زمانه خودشان باشند (اکبری شلدراهی، ۱۳۸۲: ۲۳۳).

توجه به شگردهای روایی گذشته برای بازتولید آن الگوها و شگردها در قالب داستان‌های امروزی و ارائه یک الگو یا ساختار روایی متناسب با فلسفه اسلامی از جمله تلاش‌های متولیان گفتمان ادبیات دفاع مقدس برای ایجاد نوعی تصور اجتماعی منطبق با گونه ادبی دفاع مقدس به عنوان ادبیات بومی و اصیل است. سرشار در این باره می‌گوید «جمعی از نویسندگان انقلاب کوشیده‌اند با بهره‌گیری مناسب از همه فنون تجربه شده در عرصه ادبیات داستانی جهان به کاوش در میراث‌های کهن داستان ملی و دینی کشور پردازند و از تلفیق و ترکیب حساب شده آن شگردها به گونه‌ای ادبیات داستانی ایرانی را پی‌ریزند» (سرشار، ۱۳۹۰: ۴۳).

۶-۳-۲. واقع‌گرایی

در ادبیات داستانی وابسته به گفتمان سیاسی، واقع‌گرایی و واقع‌بینی همراه با آرمان‌گرایی وجود دارد؛ بدین معنی که نویسنده خود را گزارشگر صرف آنچه هست نمی‌داند، بلکه در چینش رویدادهای داستان و سیر علی وقایع در عین حال که به آنچه هست توجه دارد

به آنچه باید باشد نظر دارد و آنچه را هست به اعتبار هدایت آن به سوی آنچه باید باشد ملاحظه می کند (حداد عادل، ۱۳۷۳: ۳۵۰). همچنین در این گفتمان، تأکید بر ثبت واقعیت عینی است (تندرو صالح، ۱۳۷۹: ۳۱۱). این آثار از لحاظ هستی شناسی، چشم اندازی به گستردگی و شمول «عالم غیب» و «عالم شهادت» دارد. بنابراین، بروز و ظهور رویدادهای خرق عادت، تصادفی و گاه حتی عدم انسجام ظاهری رویدادها و سیر علی حوادث در این آثار از منطق داستانی دیگری پیروی می کند.

واقع گرایی که در پیوند نزدیکی با نگاه انسانی قرار دارد و در زنجیره دالی گفتمان روشنفکری بدین معنی است که وقایع جنگ اعم از مثبت و منفی از منظر تجربه شخصی و ذهنیت نویسنده / شاعر روایت شود. با این ملاحظه، اغلب این نویسندگان به جای توصیف صرف وقایع جنگ به تفسیر آن همت گماشته اند و به همین دلیل به تکرار روایت قائل اند و راز جاودانگی اثر ادبی را در محترم شمردن همه روایت ها می دانند (سلیمانی، ۱۳۸۰: ۴۸-۴۲).

گاه عقیده بر این است که نویسندگان واقع گرا و البته مخاطبان هر دو گفتمان، تمایز و افتراق میان درون داستان و واقعیت خارج از داستان را نادیده می گیرند. در حالی که ادبیات می تواند چنان اقتداری به داستان های تخیلی واقع گرای جدی ببخشد که این نوع داستان ها بتوانند روایت های دیگر و احتمالاً روایت های حقیقی تر از واقعیت را تحت الشعاع خود قرار دهند (تالیس، ۱۳۹۳: ۲۶۴).

در واقع تصویر واقعیت برآمده از ادبیات، آمیخته با نوعی موضع گیری سیاسی است (همان) و در نتیجه تأکید هر دو گفتمان سیاسی و روشنفکری بر واقع گرایی در آفرینش اثر ادبی، نوعی تلاش برای تثبیت ایدئولوژی آن گفتمان است: «عمل انتقادی جدید، واقع گرایی را محکوم خواهد کرد، نه به دلیل ناکامی آن در گریز از ایدئولوژی {...} بلکه به این سبب که برای بی اثر ساختن ایدئولوژی خود از طریق ایجاد نوعی خودتناقضی

آرام که دیدگاه ثابتی به خواننده نمی‌دهد، کم‌ترین تلاشی از درون به خرج نمی‌دهد» (همان: ۲۷۲). از طرفی «واقعیت‌گرایی کلاسیک، سهم برجسته‌ای در فرآیند ایدئولوژیک دارد چراکه با این شیوه، توان انتقادی درباره جهان پیرامونی از مخاطب سلب می‌شود و این پندار تقویت می‌شود که با خود واقعیت سر و کار دارد نه صرفاً روایت یا تعبیری یا گرایش ویژه و عمدی از آن» (همان: ۲۶۴).

۶-۴. انگاره

۶-۴-۱. موضوع

در ادبیات وابسته به گفتمان روشنفکری که عمدتاً بر بیان دغدغه‌های قشر متوسط شهرنشین متکی است، جنگ به مثابه انگاره اثر ادبی، بیشتر از حیث تأثیر آن بر خروج زندگی این طبقه از روال عادی ناشی از عواملی چون موشک‌باران، تحریم‌های اقتصادی و سیاسی و... و نیز از حیث آسیب‌های روانی واردآمده بر خانواده شهدا، جانبازان و... محل بررسی و دقت نظر است، اما در ادبیات وابسته به گفتمان سیاسی، جنگ، بیشتر از حیث پدیده‌ای خودجوش و مردمی مطرح نظر است که ملتی همراه و پشتیبان دولت به شدت از آن حمایت می‌کند.

۶-۴-۲. مضمون

از آنجا که آثار روشنفکران به بازتاب مسائل لایه‌های میانی جامعه و مشکلات روشنفکران متکی است، این مشکلات را در فضای اجتماعی و خانوادگی نشان می‌دهد (گودرزی، ۱۳۸۶: ۲۴۷) در نتیجه نوع نگرش آن‌ها به مسأله جنگ، نگاهی آمیخته به ستایش و توصیف دلآوری‌ها و خلق حماسه نیست، بلکه بیشتر روایت‌هایی گزارش‌گونه از آثار نامبارک و

منفی جنگ و نابسامانی و ویرانی شهرها و بیان مسأله مهاجران جنگی است و اینکه آن‌ها به چه بلا تکلیفی دچار شده‌اند (اکبری شلدره‌ای، ۱۳۸۲: ۲۱۵).

به نظر می‌رسد در نسبت با انقلاب اسلامی و جنگ، نویسندگان روشنفکر تحت تأثیر مناسبات قدرت از بیان آشکار کاستی‌های سیاسی و تجلی آن در قالب ادبی، خودداری ورزیده و تنها به مناسبات نقد اجتماعی به طور کلی و نقد مناسبات سیاسی به شکلی نمادین مبادرت ورزیده‌اند (گودرزی، ۱۳۸۶: ۲۳۲).

گفتنی است بی‌توجهی آثار داستانی وابسته به گفتمان روشنفکری به یکی از ارکان اصلی گفتمان سیاسی، یعنی دین و مذهب موجب شده تا این گفتمان به شدت بکوشد آن را در قالب مفاهیمی چون ستیز در برابر ظلم، ستایش حق، دفاع از مظلوم و درنهایت، ترسیم انسان آرمانی اسلامی در آثار وابسته به خود، صورت‌بندی کند. همچنین با نظر به دو مفهوم «قابلیت دسترسی» و «سازگاری» که در تعیین میزان اعتبارمندی هر گفتمان دخیل‌اند، اعتبارمندی گفتمان ادبیات مقدس در بازتولید مفاهیم دینی و الهی و مفاهیمی چون وطن، امت اسلامی، تکلیف الهی، شهادت، تبعیت از رهبری و... قرار دارد؛ زیرا این مفاهیم ناظر بر ارزش‌هایی هستند که با لایه‌های عمیق فرهنگی ما انطباق و سازگاری دارند.

از منظر منتقدان وابسته به گفتمان سیاسی با معنوی شدن ادبیات و حضور پررنگ دین، معنویت و شهادت در آثار داستانی دفاع مقدس، شاهد هستیم که ادبیات داستانی از انحصار روشنفکران خارج می‌شود و در نتیجه، امکان حضور طیف جدیدی از نویسندگان فراهم می‌شود (حنیف، ۱۳۹۵: ۶۱۷، ۶۲۱ و ۶۲۲).

۶-۴-۲-۱. مرگ

جنگ تحمیلی شرایط اجتماعی- روانی جدید و متمایزی را در فضای جامعه‌ای که به تدریج ویژگی‌های روانی و اجتماعی انقلابی در آن رنگ می‌باخت، ایجاد کرد. در واقع

این گفتمان دریچه‌ای نو به تفسیر جهان و زندگی گشود. دریچه‌ای که مضمون آن نگاه به آخرت، خوارداشت ارزش‌های این جهانی، فداکاری، ایثار و طلب شهادت بود (عظیمی، ۱۳۸۹: ۲). بالطبع سیطره این ارزش‌ها، آثار ادبی نویسندگان مدافع گفتمان سیاسی نیز میدانگاه تثبیت و ترویج آن‌ها شد. از این رو، مرگ در این آثار به منزله شهادت ایثارگرایانه و تعالی اخلاقی و مرگ آگاهی معنادهی می‌شود (سلیمانی، ۱۳۸۰: ۵۵). اما در گفتمان روشنفکری، مرگ، امری اسفبار و دلخراش به تصویر کشیده می‌شود و شخصیت‌ها قربانی هستند تا قهرمان ملی و مذهبی (سعیدی، ۱۳۹۵: ۳۶۵)، چراکه اصولاً رویکرد جامعه‌شناسانه به جنگ این گونه است و طبیعت هر جنگی با ناگواری‌ها، تلخی‌ها و ناکامی‌هایی همراه است (اکبری شلدراهی، ۱۳۸۲: ۲۱۶).

۶-۴-۲. نوستالژی

جنگ برای شخصیت‌های داستانی آثار وابسته به گفتمان سیاسی، سرچشمه قدرت و اعتبارمندی بوده است و مرگ به منزله رستگاری، از این رو، پس از جنگ و با بازگشت به جامعه، منزوی، غمگین و دلتنگ جنگ هستند. به نظر می‌رسد آنان نمی‌توانند به راحتی جایگاه اجتماعی خویش را در جامعه بیابند و نوستالژی در این آثار در واقع مرثیه‌ای است برای فضیلت‌های فراموش شده که ناشی از جست‌وجوی نوعی فضیلت و تقدس در دفاع و جنگ است، اما در گفتمان روشنفکری، شخصیت‌ها دچار نوعی احساس تعلیق و سردرگمی در پیدا کردن جایگاه و قدرت اجتماعی در جامعه بعد از انقلاب اسلامی و جنگ هستند. بنابراین، دلتنگ نظم اجتماعی و طبقاتی گذشته هستند و نوستالژی برای آنان در قالب بازگشت به وطن مألوف بروز می‌یابد (سعیدی، ۱۳۹۵: ۳۵۳ و جوادیان‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۶۱-۱۵۶).

۶-۵. زمان داستانی

می‌توان گفت در دوره جنگ و در دوره نخست، بیشترین حجم ادبیات سیاسی هر دو گفتمان به طور مستقیم به جنگ نمی‌پردازد و به وقایع انقلاب اسلامی می‌پردازد (حنیف، ۱۳۹۵: ۱۳۳)؛ گفتمان روشنفکری سعی در نشان دادن نقش مبارزان غیرمذهبی در شکل‌گیری انقلاب اسلامی دارد. به عنوان مثال، احمد محمود در «داستان یک شهر» و رضا براهنی در «رازهای سرزمین مادری‌ام» به نقش طرفداران حزب توده و کارگران و قشر محروم اشاره دارند (همان: ۳۹۹، ۴۱۷ و ۴۲۰). همچنین به نظر می‌رسد انتخاب مقاطع زمانی قبل از انقلاب اسلامی به‌خصوص دوره مشروطه و قاجار در آثار داستانی وابسته به هر دو گفتمان با هدف متفاوتی صورت گرفته است. نویسندگان موافق گفتمان سیاسی مسلط موجود، این کار را با هدف تثبیت موقعیت گفتمان حاکم کنونی و سیاه‌نمایی گذشته انجام می‌دهند درحالی که نویسندگان روشنفکر با هدف ایجاد همانندی شرایط اجتماعی و سیاسی در این دو مقطع تاریخی دست به این انتخاب زمان داستانی می‌زنند (گودرزی، ۱۳۸۶: ۵۲ و اکبری شلدره‌ای، ۱۳۸۲: ۱۷۲). تری ایگلتن با نظر به همین تلقی از ادبیات اشاره می‌کند که اثر ادبی نه چندان با آنچه می‌گوید، بلکه با آنچه نمی‌گوید به ایدئولوژی مربوط می‌شود (تری ایگلتن، ۱۳۸۳: ۶۱).

۶-۶. مکان داستان

توصیف‌هایی که در آثار موافق گفتمان سیاسی وجود دارد، بیشتر به واقعیت‌های میدان نبرد و شرایط حاکم بر سنگرها و مسائل مربوط به آنان پیوند و نزدیکی دارد و همراه با انگاره وحدت و همدلی ملی، القای این مطلب است که وقوع جنگ سبب استوارتر شدن بنیادهای اعتقادی و شور و هیجان انقلاب اسلامی شده است؛ زیرا از منظر گفتمان سیاسی، جنگ توانسته است در آن موقعیت بر عزم و اراده ملی در راه حفظ و دفاع از

میهن و انقلاب بیفزاید و روح جمعی اینار را در جامعه فراگیر سازد (اکبره‌ای شلدره‌ای، ۱۳۸۲: ۲۱۸ و حنیف، ۱۳۷۳: ۱۰۱). بنابراین، ترسیم دقیق صحنه‌های میدان جنگ و عملیات از جمله خصوصیات ادبیات داستانی است. (مدرس‌زاده، ۱۳۷۳: ۳۷۹). در مقابل نویسندگان روشنفکر بیشتر به توصیف حال و هوای شهرهای جنگ‌زده پرداخته‌اند و به جای ترسیم صحنه‌های قهرمانی در جبهه‌ها از رنج و وحشت‌های مردم عادی هنگام حملات دفاعی سخن گفته‌اند (عابدینی، ۱۳۷۷: ۹۱۰).

به نظر می‌رسد انتخاب موقعیت بحرانی در داستان از جانب نویسندگان موافق گفتمان سیاسی برای توجیه فرهنگی اقتدار صورت گرفته است؛ چراکه در این مواقع، نهادهای قدرت، نیاز بیشتری برای توجیه فرهنگی عملکردهایشان و اثبات درستی مواضعشان دارند. در حالی که در آثار گفتمان روشنفکری اگر موقعیت بحرانی توصیف می‌شود برای نقد مواضع گفتمان مسلط سیاسی است (گودرزی، ۱۳۸۶: ۲۲۸).

۶-۷. کارکرد ادبیات داستانی

ادبیات و هنر این قابلیت را دارد که همسو با جریان مسلط فکری و فرهنگی و در جهت توجیه و تأیید آن عمل کند و یا نسبت به آن عملکردی اعتراضی داشته باشد. این قابلیت ادبیات هم در حوزه شکلی قابل بررسی است و هم در حوزه مضامینی که به واسطه ادبیات امکان طرح می‌یابند (تندرو صالح، ۱۳۸۲: ۷۹).

هدف از توجه کردن به ادبیات در گفتمان سیاسی، تثبیت و تبلیغ ارزش‌ها است و یکدست‌سازی ارزش‌های فرهنگی-اجتماعی مسلط بر جامعه به‌خصوص در مواقع بحرانی مانند انقلاب و جنگ. از این رو، ادبیات وابسته به آن، زبانی ترغیبی دارد چون به مبارزه دعوت می‌کند، افشاگر است و امیدبخش؛ چراکه باید اهداف ملموسی را برای مبارزه ترسیم کند که در وجه ترغیبی‌اش موفق باشد (همان، ۱۳۸۲: ۸۲). بنابراین،

نویسندگان می‌کوشند آثار ادبی‌شان متناسب با اشعار و داعیه‌های انقلاب اسلامی باشد و با مراجعه به منابع اسلامی، جوهر و ارزش‌های دینی و اسلامی و ارزش‌هایی که باعث پیروزی انقلاب شد در آثار هنری‌شان مطرح شود (همان، ۱۳۷۹: ۸۷ و ۳۰۵).

نقش مهم دیگری که ادبیات داستانی برای بیان و ثبت ارزش‌های جنگ به عهده دارد، حفظ بخشی از تاریخ است. (مدرس‌زاده، ۱۳۷۳: ۴۰۴) که موجب می‌شود اسم کامل شخصیت رزمنده بیاید و به وقایع مهم جنگ از قبیل عملیات‌ها، پیروزی‌ها و... اشاره دقیق شود. اما نویسندگان روشنفکر تمایل دارند آزاد باشند و بتوانند حالت انتقادی نسبت به جامعه و آسیب‌ها را حفظ کنند. به عنوان مثال، «گلشیری اشاره می‌کند هیچ داستان یا به حقیقت تجربه هیچ آدمی در مورد جنگ (مگر موافق با مواضع گفتمان سیاسی) اجازه نداشته است، منتشر شود» (سعیدی، ۱۳۹۵: ۳۳۱) و به گرایش تک صدایی در روایات ایدئولوژیک اشاره می‌کند (همان: ۳۵۳).

به نظر می‌رسد، دال‌های تهی در گفتمان ادبیات روشنفکری عبارت‌اند از ادبیات آرمان‌خواه شیعی، ادبیات بومی، ادبیات اصیل و غیرمقلدانه. در واقع، گفتمان ادبیات روشنفکری همواره با این ضعف مواجه بوده است که به لحاظ نگاه هستی‌شناختی به روابط اجتماعی و انسانی و شکل و ساختار ارائه اثر، الگوی قابل‌اعتنایی در تاریخ فکری زیست‌بوم خود در اختیار نگذاشته، بلکه همه داشته‌ها را از غرب گرفته و از آن برای طرح مسائل بومی خود بهره برده است. به همین سبب ادعا می‌شود که غیربومی و تقلیدی بودن، دو دال تهی این گفتمان است که زمینه را برای گسترش گفتمان ادبیات انقلاب اسلامی/دفاع مقدس فراهم کرده است. متقابلاً، گفتمان ادبیات دفاع مقدس کوشیده است نظریه خود را حول محور این دو دال تهی بسازد. ضمن اینکه در خود این گفتمان نیز سه دال تهی زیبایی‌شناسی، ادبیت و ادبیات آزاد بیشترین نقش را در تداوم گفتمان ادبیات روشنفکری برعهده داشته است. به طور کلی، عدالت اجتماعی، تعهد و

غرب‌زدگی مفاهیمی هستند که براساس آن، گفتمان مسلط سیاسی و نویسندگان مدافع آن، ایدئولوژی و ادب روشنفکری را نقد می‌کنند. در واقع می‌توان گفت که گفتمان ادبی دفاع مقدس، دال تعهد را از مرکزیت گفتمان ادبیات متعهد چپ قبل از انقلاب برمی‌دارد و طبق موازین خود با دلالت متفاوت، مجدد مفصل‌بندی می‌کند. به عبارت دیگر، بی‌توجهی گفتمان ادبیات روشنفکری به یکی از ارکان اصلی گفتمان ادبیات دفاع مقدس؛ یعنی دین و مذهب موجب شده است که گفتمان ادبی دفاع مقدس به شدت بکوشد این مفاهیم را در قالب مفاهیمی چون ستیز در برابر ظلم، ستایش حق، دفاع از مظلوم و در نهایت، ترسیم انسان آرمانی اسلامی صورت‌بندی کند.

سرانجام می‌توان گفت، به موازات حدت، شدت و جدیت گفتمان ادبیات روشنفکری در تعیین مؤلفه‌های اثر داستانی و به کارگیری آن‌ها برای به حاشیه‌رانی گفتمان ادبیات دفاع مقدس، این گفتمان نیز به تئوریزه کردن مبانی داستانی دفاع مقدس و تجدیدنظر در معیارهای موجود نقد ادبی و معرفی معیارهای جدید برای اثر داستانی روی آورده است.

نتیجه‌گیری

مروری بر ادبیات داستانی بعد از انقلاب اسلامی / جنگ حاکمی از آن است که ادبیات داستانی روشنفکری در قالب گفتمان مسلط ادبی و ادبیات داستانی انقلاب اسلامی / دفاع مقدس به عنوان گفتمان در حال شکل‌گیری، دست کم از دو حیث به شدت با یکدیگر شباهت دارند؛ یکی از حیث پیوند عمیق با سیاست و دیگری، انگیزه برای ایجاد تغییرات سیاسی و اجتماعی در جامعه.

در شکل‌گیری زنجیره هم‌ارزی گفتمان سیاسی، ایدئولوژی و ارزش‌های ایدئولوژیک انقلاب اسلامی به عنوان دال مرکزی، نقش اساسی داشته است. به این معنا که گفتمان مذکور به منظور تثبیت هویت خویش، هر اثر ادبی تولید شده را با ملاک و

معیار همسویی آن با این دال مرکزی می‌سجد و اقدام به برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی می‌کند. گفتمان روشنفکری، در جایگاه ادبیات مسلط برای گسستن زنجیره دالی ادبی انقلاب اسلامی / دفاع مقدس، آثار ادبی تولید شده ذیل این گفتمان را به عنوان یک نوع ادبی جدید در نظر نمی‌گیرد، بلکه در زمره ادبیات جنگ طبقه‌بندی‌اش می‌کند.

نظم گفتمانی جدید نقد ادبی، حاکی از تنازع گفتمانی میان دو گفتمان سیاسی و روشنفکری به منزله دو گفتمان رقیب برای کسب قدرت بیشتر است. مسیری که گفتمان روشنفکری و گفتمان سیاسی برای شکل‌گیری هویت خویش در زمینه ادبیات و نقد ادبی طی کرده‌اند، مسیر تخاصم علیه یکدیگر و حاشیه‌رانی دال‌های مرکزی گفتمان مقابل به عنوان گفتمان «غیر» یا «دیگری بیرون از خود» به حوزه گفتمان‌گونگی بوده است.

مفصل‌بندی متفاوت از عناصر اصلی داستان از جمله مهم‌ترین ابزارهای زبانی است که گفتمان روشنفکری برای غیرسازی و گفتمان سیاسی برای سلطه فرهنگی استفاده کرده است. به نظر می‌رسد از جمله مهم‌ترین این ابزارها، فرآیند نامیدن ادبیات داستانی به شکل ادبیات دفاع مقدس یا ادبیات جنگ است. به عبارت دیگر، دال مرکزی هر دو زنجیره دلالتی داستانی در مرتبه اول، عنوان نوع ادبی است که سایر دال‌های شناور را به صورت وقته درمی‌آورد و مفصل‌بندی گفتمان را استحکام می‌بخشد. بدین ترتیب صحنه نگذاشتن بر برتری عنوان «دفاع مقدس» به جای «جنگ» برای نامیدن واقعه جنگ هشت ساله ایران و عراق از سمت گفتمان روشنفکری برای به حاشیه‌رانی گفتمان ادبیات دفاع مقدس و کم‌رنگ کردن وجه استعاری این گفتمان و گریز از تقدس آن صورت می‌گیرد.

اطلاق عنوان «ادبیات جنگ» به جای «ادبیات دفاع مقدس» برای نامیدن آثار ادبی بعد از انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، می‌تواند ناشی از آن باشد که گفتمان روشنفکری با استفاده از ظرفیت‌های این ادبیات به عنوان یک ژانر جهانی ادبی - از آن حیث که می‌توان

درباره همه وجوه جنگ حتی با دیدی انتقادی سخن گفت- در پی طبیعی سازی مقاومت و مخالفت خویش با گفتمان سیاسی حداقل در عرصه ادبیات است. به عبارت دیگر، این گفتمان به اقتضای شرایط گفتمانی حاکم بر این دوره، می کوشد با تأکید بسیار بر ادبیت و نفس ویزگی ادبی در ارزیابی و آفرینش اثر ادبی و در نتیجه القای حضور کم رنگ ایدئولوژی در آثار منسوب به خود، هم در عین حال، مظاهر مقاومت خویش را مخفی کند و هم در مرتبه بعد به بازتولید سنت مبارزه جویانه و رسالت متعهد گرایانه اش در ذهن بیدار جامعه بودن و نقد شرایط جامعه اما در حاشیه امن بپردازد.

با مروری بر آثار نقد حیطه ادبیات دفاع مقدس متوجه می شویم که بیشترین مباحث مطرح شده درباره این ادبیات، اتفاقاً بر سر پیشینه و چگونگی نامیدن این آثار است. بنابراین، می توان به اهمیت و تأکید عنوان ادبیات مقدس از سمت گفتمان سیاسی که در عین حال عنوانی شدیداً غیرت ساز است و با حد و مرزهای خود، عملاً خیلی از آثار جنگی را به حاشیه می راند، پی برد. گفتنی است این پدیده متناظر با ایدئولوژی گفتمان سیاسی است که مسأله دفاع و حقانیت آن به تاسی از ضرورت دفاع اصلی و بنیادین که همانا دفاع از ارزش های شیعی است همچنان و به موازات حیات نظام جمهوری اسلامی استمرار دارد و فقط شکل مبارزه در هر برهه ای تغییر می یابد.

منابع

- آفاق گل زاده، فردوس. (۱۳۸۶). تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات. *ادب پژوهی*. ش ۱. صص ۱۷-۲۷.
- اسکولز، رابرت. (۱۳۸۷). *عناصر داستان*. ترجمه فرزانه طاهری. چ ۳. تهران: مرکز.
- اکبری شلدره ای، فریدون. (۱۳۸۲). *درآمدی بر ادبیات داستانی پس از انقلاب اسلامی*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

اینگلتون، تری. (۱۳۸۳). **مارکسیسم و نقد ادبی**. ترجمه اکبر معصوم بیگی. تهران: دیگر.

بروجردی، محمود. (۱۳۷۳). **زن و ادبیات انقلاب اسلامی در کتاب‌های درسی**. مجموعه مقالات سمینار بررسی ادبیات انقلاب اسلامی. تهران: سمت. صص ۶۵-۷۰.
بهرام پور، شعبانعلی. (۱۳۷۹). **درآمدی بر تحلیل گفتمان**. مجموعه مقالات گفتمان و تحلیل گفتمانی. به اهتمام محمدرضا تاجیک. تهران: فرهنگ گفتمان. صص ۲۳-۴۱.
تاجیک، علیرضا. (۱۳۸۳). **گفتمان، یادگفتمان و سیاست**. تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

تالیس، ریموند. (۱۳۹۳). **واقع‌گرایی، ایدئولوژی و تناقضات سرمایه‌داری**، درباره رمان. (مجموعه مقالات). والتر بنیامین و دیگران. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. صص ۶۳-۷۵.

تندرو صالح، شاهرخ. (۱۳۷۹). **گفتمان سکوت: مجموعه گفتگو پیرامون مسائل عمومی ادبیات داستانی**. تهران: شفیعی.

_____ . (۱۳۸۲). **ادبیات جنگ و موج نو**. تهران: فرهنگ سرای پایداری.

تلف، کامران. (۱۳۹۴). **سیاست نوشتار، پژوهش در شعر و داستان معاصر**. ترجمه مهرک کمالی. تهران: نامک.

جوادیان‌زاده، مجید. (۱۳۹۰). مقایسه بازنمایی تجربه جنگ در ۱۰ رمان جنگ ایران و عراق. کارشناسی ارشد. استاد راهنما: نعمت‌الله فاضلی. دانشگاه علامه طباطبائی.

حداد عادل، غلامعلی. (۱۳۷۳). **سخنی پیرامون ماهیت ادبیات انقلاب اسلامی**. مجموعه مقالات سمینار بررسی ادبیات انقلاب اسلامی. تهران: سمت. صص ۳۴۷-۳۵۴.

حسن بیگی، ابراهیم. (۱۳۹۲). **جنگ و رمان‌هایش**. تهران: سروش.

- حق شناس، علی محمد. (۱۳۹۰). **زبان و ادب فارسی در گذرگاه سنت و مدرنیته**. مجموعه مقالات. چ ۲. تهران: آگه.
- حنیف، محمد. (۱۳۹۴). **داستان سیاسی، داستان انقلاب: سیری در ادبیات ایران و جهان**. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- _____ . (۱۳۷۳). **ده سال رمان و داستان بلند جنگ**. مجموعه مقالات سمینار بررسی رمان جنگ در ایران و جهان. تهران: بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی. صص ۸۸-۱۵۵.
- حنیف محمد و حنیف، محسن. (۱۳۸۸). **کندو کاوی پیرامون ادبیات داستانی جنگ و دفاع مقدس**. تهران: صریر.
- رادفر، ابوالقاسم. (۱۳۷۳). **دگرگونی‌ها و ویژگی‌های ادبیات انقلاب اسلامی در یک نگاه**. مجموعه مقالات سمینار بررسی ادبیات انقلاب اسلامی. تهران: سمت. صص ۱۸۳-۱۹۱.
- سرشار، محمدرضا. (۱۳۹۰). **ادبیات داستانی ایران پس از انقلاب اسلامی**. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- سعیدی، مهدی. (۱۳۹۵). **ادبیات داستانی جنگ در ایران**. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- سلطانی، علی اصغر. (۱۳۹۱). **قدرت، گفتمان و زبان، ساز و کارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی**. چ ۳. تهران: نی.
- سلیمانی، بلقیس. (۱۳۸۰). **تفنگ و ترازو**. تهران: روزگار.
- شاکری، احمد. (۱۳۹۴). **جستاری در اصطلاح‌شناسی و مبانی ادبیات داستانی دفاع مقدس**. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- _____ . (۱۳۹۵). **اینک جنگ، اینک داستان**. تهران: صریر.

شعیری، حمیدرضا. (۱۳۹۲). **تجزیه و تحلیل نشانه معنا شناختی گفتمان**. چ ۳. تهران: سمت.

ضمیران، محمد. (۱۳۸۹). **میشل فوکو: دانش و قدرت**. چ ۵. تهران: هرمس.
طایفی، شیرزاد. (۱۳۹۲). درآمدی بر جریان روشنفکری ایران با تأکید بر ادبیات داستانی معاصر. ادب فارسی. د ۳. ش ۲. صص ۱۷۳-۱۹۱.

عابدینی، حسن. (۱۳۷۷). **صد سال داستان‌نویسی**. تهران: چشمه.
عظیمی، سمیرا. (۱۳۸۹). جایگاه طنز در گفتار سیاسی جنگ: تحلیل محتوای ادبیات داستانی جنگ تحمیلی. کارشناسی ارشد. راهنما: غلامرضا کاشی. دانشگاه علامه طباطبائی.

عضدانلو، حمید. (۱۳۸۰). **گفتمان و جامعه: با گرامر امیداشت مقاله‌ای از بروس لیتکلن**. تهران: نی.

_____ (۱۳۷۵). درآمدی بر «گفتمان» یا گفتمانی درباره «گفتمان». **اطلاعات**

سیاسی اقتصادی. ش ۱۰۳ و ۱۰۴. صص ۴۷-۵۲.

فوکو، میشل. (۱۳۷۸). **نظم گفتار: درس افتتاحی در کلژ دو فرانس**. ترجمه باقر پرهام. تهران: آگه.

قیصری، علی. (۱۳۷۳). نقد ادب ایدئولوژیک: مروری بر ادبیات روشنفکران و مکتبی ایران. **ایران نامه**. ش ۴۶. صص ۲۳۳-۲۵۸.

کسرای، محمدسالار و علی پوزش شیرازی. (۱۳۸۸). نظریه گفتمان لاکلا و موف: ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی. **فصلنامه سیاست**. د ۳۹. ش ۳. صص ۳۶۰-۳۹۹.

- کوثری، مسعود. (۱۳۸۹). **درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات جنگ**. پژوهشنامه دفاع مقدس (مجموعه سخن‌رانی‌ها و مقالات همایش اول تا پنجم). ج ۱. تهران: پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس و شکیب.
- گودرزی، محمدرضا. (۱۳۸۶). **بازتاب سیاست در ادبیات داستانی ایران (از سال ۱۳۷۰ تا پایان آبان ماه ۱۳۸۳)**. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات.
- موسوی، صدرالدین و دیگران. (۱۳۹۳). تأثیر گفتمان غرب زدگی بر ادبیات داستانی دهه‌های چهل و پنجاه شمسی در ایران. **ادب پژوهی**. ش ۲۹. صص ۱۶۰-۱۳۹.
- مدرس‌زاده، عبدالرضا. (۱۳۷۳). **نقش ادبیات داستانی در بیان و ثبت ارزش‌های جنگ**. مجموعه مقالات سمینار بررسی رمان جنگ در ایران و جهان. تهران: بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی. صص ۴۰۴-۳۸۹.
- مهرآیین، مصطفی. (۱۳۸۶). شرایط تولید فرهنگ: ریشه‌های ظهور مدرنیسم اسلامی ر هند، مصر و ایران. پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی. دانشگاه تربیت مدرس.
- وندایک، تئون. ای. (۱۳۸۹). **مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان کاوی**. ترجمه پیروز ایزدی و دیگران. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- یورگنسن، ماریان و لوئیز، فیلیپس. (۱۳۹۱). **نظریه و روش در تحلیل گفتمان**. ترجمه هادی جلیلی. ج ۲. تهران: نی.